

# کار و تقسیم کار

## اجتماعی از دیدگاه

### امام محمد غزالی

مریم نجار نهاوندی

(عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

#### □ تعریف کار

بشر در هر نظامی، در هر سطحی از پیشرفت فنی و در هر قالبی از داده‌های زیستی (بیولوژیک) که باشد، ذاتاً سرگرم کار است. کار فصل مشترک و شرط اصلی هر نوع زندگی انسانی در جامعه است، کار در معنایی که در اینجا مورد نظر است، خصوصیت بارز نوع بشر به‌شمار می‌رود و با آنچه بصورت پیچیده در برخی دیگر از انواع حیوانی (مانند مورچگان، موربان‌ها، زنبور عسل....) مشاهده می‌شود تفاوت دارد؛ زیرا آن نوع فعالیت حیوانی، با همه پیچیدگی‌هایش از الگوهای غریزی پیروی می‌کنند، حال آنکه کار بشر حاصل کاربرد هوش و تعقل است.<sup>(۱)</sup>

تعریف ارائه شده، یک تعریف کلی از «کار» در دیدگاه صاحب‌نظران جامعه‌شناسی کار و شغل می‌باشد. تعریف دیگری از کار که براساس مفهوم انسان سازنده\* استوار است، کار را اینچنین تعریف می‌کند:

«کار عبارت است از مجموعه عملیاتی که انسان به کمک مغز و دستها و ابزار و ماشین‌آلات بطور استفاده علمی، بر روی ماده انجام می‌دهد و این اعمال نیز به نوبه خود متقابلاً بر آن اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهند».<sup>(۲)</sup>

اینکه این تعریف از کار با قابلیت تبدیل ابزارسازی همراه است، همیشه معنا نخواهد داشت، بلکه همه

فعالیت‌های بشری لزوماً از نوع کشاورزی یا صنعتی نبوده و فعالیت‌هایی به اصطلاح خدماتی هم داریم. از سوی دیگر در تصویر ابزارسازانه کار نوعی گرایش به «غایت» و مقصود نهایی که همانا غلبه بر طبیعت است وجود دارد. هرچند کارها همه هدفی دارند، اما در خود «کار» چنانکه «ماکس شلر» گفته است غایت و مقصود نهایی نهفته نیست.

در «کار» غایت عام که صرفنظر از چارچوب‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی بطور انتزاعی و مجرد قابل تصدیق باشد یافت نمی‌شود.

از طرفی اگر ویژگی ذاتی کار بشری را در تعریف بالا بگنجانیم، کار: عبارتست از

اشتغال نیروهای جسمانی و اخلاقی بشر برای ایجاد ثروت و خدمات و از سوی دیگر کار همیشه با نوعی تقید و اجبار و انضباط همراه است.

اکنون با تعریف همه‌جانبه‌ای که از «کار» ارائه شد، بهتر می‌توان دیدگاه غزالی در باره «کار» را جویا شده و چگونگی و نحوه آن را بررسی کرد.

همانطور که قبلاً بیان شد، وی در بخش «معاملات» کتاب کیمیای سعادت و بطور مبسوط در کتاب «نظریات اقتصادی» و همچنین در بخش «ذم‌دینا» احیاء علوم‌الدین، از کار و تقسیم آن و ابزار تولید و نحوه و چگونگی تقسیم آن و طبقه‌بندی مشاغل، انواع بیکاری و غیره بحث کرده است که در بعضی از مباحثات مستقیماً و در بعضی از مباحثات بطور غیرمستقیم می‌توان به دیدگاه او در موارد مذکور پی برد.

به احتمال قوی می‌توان گفت «کار» از نظر غزالی به نوعی تغییر و دگرگونی در طبیعت توسط انسان از راه به کار بردن وسایل و ابزار از یکسو و ارائه خدمات از سوی دیگر اطلاق می‌شود و تعبیر ما از تعریف «کار» و به قول «ماکس‌وبر» (جامعه‌شناس آلمانی) به فاعل «کنش» برمی‌گردد تا «خودکنش». یعنی از انواع کارگرانی که وی برای کارهای مختلف معرفی می‌کند به تبیین و توصیف «کار» از نظر او، دست می‌یابیم.

«بدان که آنچه بروید از زمین و آنچه

پس باید که یک «گرده» را معین کنیم و بنگریم که یک گرده را چه حاجت باشد تا گرده شود و شایسته خوردن تو گردد. پس از انداختن تخم در زمین، اول چیزی که بدان محتاج شود برزگر است تا زمین است کند و بکارد و گاو است که زمین را بدان «شدیاز»<sup>۳\*</sup> کنند و آلت کشاورزی است و همه اسباب آن. آنگاه پس از آن تعهد است برای آب دادن مدتی، پس پاک کردن زمین از خس، پس آس کردن، پس سرشتن، پس پختن.... تأمل کن و عدد شخص‌ها که بدان قیام نمایند و عدد آلت‌ها که بدان حاجت افتد، از آهن و چوب و سنگ و غیر آن و....

پس اگر تفتیش کنی بدان که یک «گرده» گرده نشود چنانکه خوردن ترا شاید، ای بیچاره تا بیش از هزار صانع بر آن کار نکنند....»<sup>(۴)</sup>

بنابراین از دیدگاه غزالی کار مفید، اساس حیات اجتماعی است و همچنین وی به نقش «آلات و ابزار» برای انجام آن تأکید می‌کند و برای ساخت همین لوازم او ابزار کار را هم لازم می‌داند:

«پس تأمل کن به بسیاری کارهای آدمی در آن آلت‌ها، تا سوزن که آلت خرد است و فایده آن دوختن جامعه است که سرما را از تو باز دارد، صورت آن کمال نپذیرد از آهنی که سوزن را شاید مگر پس از آن که بر دست سوزن‌گر، بیست و پنج بار بگذرد و هر باری از آن کار می‌کند و...»<sup>(۵)</sup>

### ❁ از دیدگاه غزالی، کار مفید،

اساس حیات اجتماعی است و همچنین وی به نقش «آلات و ابزار» برای انجام آن تأکید می‌کند و برای ساخت همین لوازم او ابزار کار را هم لازم می‌داند.

آفریده شود از حیوانات امکان ندارد که هم بر آن حال خورده شود، بلکه چاره نباشد در هر یکی از اصلاح و پختن و مرکب کردن و پاک گردانیدن. بدانچه بعضی از آن طرح کرده شود و بعضی باقی گذاشته آید، یا کارهای دیگر نتوان شمرد و استقصای آن در هر طعامی دراز است»<sup>(۳)</sup>.

❁ غزالی بعد از اعتقاد به اصول دین و وجوب آموزش و پرورش، کار را برای هر فرد واجب می‌داند و مطابق بینش اعتقادی خویش می‌گوید: ابلیس گرد کسانی که مشغول کار هستند نمی‌گردد برای این که می‌داند و سوسه‌اش در این دسته از افراد (کارگران) اثر ندارد.

غزالی استفاده از مواد طبیعی را مستلزم «کار» و کارگر و به کار بردن «آلات و ابزار» می‌داند:

آیه «لیس الانسان الاماسعی»<sup>۸\*</sup> را برای اهمیت و ارزش کار شاهد می‌آورد. از نظر غزالی چون جامعه و فرد نسبت به هم مسئولیت دارند، باید در قبال هم وظایفی را به انجام برسانند. وظیفه جامعه این است که وسائل آموزش و پرورش فرد را از هر حیث فراهم کند تا این که هر فرد بتواند تحصیل نماید و در علم و صنعت به پایه‌ای برسد که قادر باشد معاش خود و عائله‌اش را تأمین کند<sup>(۸)</sup> و آن فرد تحصیل کرده یا صنعتگر باید حق جامعه را ادا نماید و این حق به شکل خراج (مالیات) از او گرفته نمی‌شود بلکه بصورت کار است. کار مفید آن است که برای جامعه سودمند باشد.



در دیدگاه غزالی کار و شغل از آن حیث مفید است که برای جامعه ضرورت دارد و کارهایی که مقرون به فساد باشد مورد نکوهش وی قرار گرفته است.<sup>(۹)</sup> توجه غزالی به «ارزش کار فرد برای جامعه» نظریه‌ای بود که زمانی در اروپا مطرح شد که صنعت بوجود آمد. با اینکه قبل از دوره صنعتی کار فرد برای جامعه ارزشمند بود ولی برجسته نبود و بطور یقین در نظریه هیچ یک از فیلسوفان شرق و غرب، قبل از دوره رنسانس، ارزش کار فرد برای جامعه مطرح نبوده است و بعد از این دوره هم فیلسوفان به کارهای عملی توجهی نداشتند و آنچه می‌گفتند مربوط به اموری بود که در زندگی مادی انسان به کار نمی‌آمد. به عنوان مثال می‌توان از سه

**غزالی معتقد بود که فرد بدون استعداد وجود ندارد و هرکس استعداد فرا گرفتن علم و صنعت را دارد و همچنین علم آموزی برای تمام افراد بشر واجب می‌باشد و صنعت را هم جزء علم به حساب می‌آورد.**

### اهمیت و ارزش کار

غزالی بعد از اعتقاد به اصول دین و وجوب آموزش و پرورش، کار را برای هر فرد واجب می‌داند و مطابق بینش اعتقادی خویش می‌گوید ابلیس گرد کسانی که مشغول کار هستند نمی‌گردد برای این که می‌داند وسوسه‌اش در این دسته از افراد (کارگران) اثر ندارد و به کزار

در دیدگاه وی کار نه تنها به تولید و ابزارسازی - به‌زعم و نظر مارکس و بقیه منفکران مادیگرایان - ختم نمی‌شود بلکه ارائه خدمات را هم شامل گردد و او از کارهایی مانند کار «حجامان» «ارثشیان»، «مساحان»<sup>۱۰\*</sup> «قضات»، «سیاستمداران»، «معلمان»، «فقها» و... نام می‌برد. به عنوان نمونه کارکرد و وظیفه رؤسا و قاضیان را در برانگیختن حس موافقت و معونت در مردم و به تعبیر امروزی، ایجاد همبستگی اجتماعی می‌داند:

«پس رئیسان و قاضیان و شحنگان و عیمان، بازارها را مرتب کردند و خلق را به قانون عدل مضطر گردانیدند، ایشان را از فرمودند تا با یکدیگر موافقت کنند و معاونت برند، تا آهنگر از قصاب و دیگر اهل شهر منفعت گیرند و همگنان از هنگر منفعت گیرند و...»<sup>(۷-۶)</sup>



فیلسوف بزرگ دوره رنسانس «کانت، اسپینوزا و هگل» نام برد که دارای نظریه‌های فلسفی مهم و برجسته بودند اما حکمت عملی نداشتند.

با ملاحظه آنچه که بیان شد، غزالی از معدود دانشمندانی است که در این زمینه نیز فراتر از زمان خویش (قرن پنجم هجری) می‌اندیشد که در موارد گوناگون دقت نظر و خلاقیت فکری وی را می‌توان یافت.

### □ آموزش حرفه‌ای

غزالی معتقد بود که فرد بدون استعداد وجود ندارد و هرکس استعداد فراگرفتن علم و صنعت را دارد<sup>(۱۰)</sup> و همچنین علم‌آموزی برای تمام افراد بشر واجب می‌باشد و صنعت را هم جزء علم به حساب می‌آورد. البته وجوب تحصیل علم از طرف تمام افراد بشر در نظر وی مانند وجوب نماز و روزه انفرادی نبوده بلکه چون تحصیل علم، به وسائل نیازمند است و برای این که یک مسلمان تحصیل کند علاوه بر لزوم مدرسه و معلم و کتاب و قلم... باید وسیله معیشت فرد از طرف زمامداران و مسئولین حکومت تأمین گردد، از لحاظ وجوب فردی در صورت عدم امکان تحصیل، تکلیف از فرد ساقط می‌گردد و فرد مسئولیتی ندارد.

غزالی به همراه آموختن علم، یادگیری نوعی «صنعت دستی» یا «حرفه‌ای» را برای افراد حتی برای علماء

لازم می‌دانست. خود وی غیر از کشاورزی، دو صنعت دستی دیگر را هم می‌دانست.<sup>(۱۱)</sup>

خاص داشت: «... بر هر کس آن واجب است بیاموزد که بدان محتاج بود: چون دخل وی از بیع است، علم بیع بر وی واجب باشد و اگر از مزدوری است، علم اجارت بر وی واجب است که بیاموزد و هر پیشه‌ای را علمی است، پیشه‌ور را علم آن پیشه واجب باشد آموختن».

غزالی همچنین بر آموختن علم اقتصاد تأکید فراوان داشته و دفع ظلم اقتصادی و ربا (بدست آوردن ارزش اضافی) و غیره را فقط با فراگیری و آموزش این علم ممکن می‌دانست.

### □ تقسیم کار اجتماعی

یکی از مباحث مهمی که می‌توان

او آموختن صنعت و حرفه را برای صاحب هر شغل و حرفه لازم می‌دانست و در همه جا به ترکیب این دو عنصر تأکید

### ✽ غزالی بر

### آموختن علم اقتصاد

تأکید فراوان داشته و دفع

علم اقتصادی و ربا (بدست

آوردن ارزش اضافی) و غیره را

فقط با فراگیری و آموزش این

علم ممکن

می‌دانست.



مبانی تفکر جامعه شناختی غزالی را در آن یافت مبحث «تقسیم کار اجتماعی» است وی معتقد است که نیاز به تولید نسل و تعاون، سبب ایجاد تجمع انسانها می شود و نتیجتاً حیات جمعی براساس پدیدارهای اجتماعی بنا شده است.

معمولاً دسته بندی که از تقسیم کار در جوامع می شود، براساس تقسیم کار اقتصادی استوار است. در این جوامع، نظام اقتصادی متکی به خودکفایی و خودمیشتی است. کسانی که شخصاً غذا تولید نکنند امکان تغذیه شدن ندارند، فقط هنگامی جامعه مشاغل تخصصی را تحمل می کند که اضافه تولید در جامعه مطرح باشد. به تدریج که جامعه ها گسترش پیدا می کنند شیوه های تولید در آن اجتماعات نیز دگرگون می شود. در جامعه های ساده فعالیت های حرفه ای در کشاورزی به شکل اولیه و تولید برخی از کالاها در کارگاه های صنایع دستی خلاصه می شود... همچنین در مراحل پیشرفته تر توسعه، ماشین در جامعه می تواند بدون هدایت و کمک مستقیم انسان به کار پردازد و تولید کند (اتوماسیون یا صنعت خودکار).

البته ناگفته نماند که در جوامع اولیه صور تقسیم کار محدود به رویه های متکی به تقسیم کار براساس جنس و سن (جوان و پیر) بوده است. در آن زمان وقتی که معاد تقسیم کار منحصرأ به جنس و نسل ها محدود بود، مشاغل تخصصی که

ما امروزه آنها را «حرفه ها» می نامیم وجود نداشت. اساس این نوع تقسیم بندی همانا پدیده های غیراجتماعی است. (۱۲) توضیح تا این حد، ما را به این نتیجه هدایت می کند که «تقسیم کار اجتماعی» همیشه از زاویه اقتصادی\*\*\* مطرح بوده است در صورتی که عده ای از جامعه شناسان همانند دورکیم اساس این تقسیم بندی را نپذیرفته و به «تقسیم کار» به عنوان یک «نمود اجتماعی» نگرستند، نه صرفاً «نمود اقتصادی» و منشاء این «نمود اجتماعی» نیز «پدیدار اجتماعی» است. تبیین دورکیم آن است که عامل اساسی توسعه اجتماعی بر پایه ملال خاطر یا جستجوی خوشبختی و افزایش خوشی ها\*\*\* و یا تمایل افراد بر افزودن بازده جمعی براساس قرارداد

استوار نیست، بلکه براساس «تمایز پذیری اجتماعی» است که خود یک اصل اجتماعی است که آن هم در اثر ترکیب حجم و تراکم مادی (تعداد افراد در رابطه با سطح معین خاک) و تراکم اخلاقی (شدت ارتباطات و مبادلات بین افراد) بوجود می آید. یعنی هر قدر مناسبات بین افراد بیشتر باشد، هر قدر آنان بیشتر با هم کار کنند، هر قدر مناسبات تجاری یا رقابت ها بیشتر باشد، شدت تراکم بیشتر است تمایز پذیری نتیجه ترکیب این دو نمود است. (۱۳) و «...در نتیجه تقسیم کار بیشتر ترقی می کند...» (۱۴) و به عقیده دورکیم اثرات اخلاقی تقسیم کار ایجاد تألیف یا همبستگی است و بطور کلی مشخصه تقسیم کار مبتنی بر تعاون است و این تعاون نتیجه خود به خودی این امر

است که هرکس منافع خاص خویش را تعقیب می‌کند، یعنی کافی است که هریک از افراد به وظیفه خاصی بپردازد تا طبعاً خود را همبسته با دیگران بیابد (۱۵) دورکیم نهایتاً تیپولوژی جوامع را براساس دو نوع تألیف یا همبستگی ترسیم می‌کند به نامهای («همبستگی مکانیکی» در جوامع ابتدائی» و «همبستگی ارگانیکی» در جوامع پیشرفته) و به تبع آن دو نوع نظام حقوقی را هم مطرح می‌کند. حال با توضیحاتی که در مورد «تقسیم کار اجتماعی» و غیر آن داده شد، ببینیم، آیا می‌توان تعریفی از «تقسیم کار اجتماعی» در لابلای متون و به خصوص کتاب «احیاء علوم‌الدین» غزالی استنباط کرد؟ این تعریف بر چه پایه‌ای استوار است؟ اجتماعی است یا غیر آن؟

در بحث «جامعه» غزالی روابط اجتماعی را روابط مشترک و با دوام «منشاء پیدایش جامعه» را در نیاز به تولید نسل و تعاون و همکاری می‌داند؛ تعاون هم نتیجه این امر است که فرد به دنبال منافع خویش باشد و وظیفه‌ای از وظایف اجتماع را به عهده گیرد. به عبارت ساده‌تر، باید افرادی از انسانها با هم زندگی کنند و روابطی در میان آنها حاکم باشد که این روابط همان روابط مشترک و متقابل است. حاصل این مناسبات «تقسیم کار» را به وجود خواهد آورد زیرا در غیر این صورت، اگر در جامعه‌ای تقسیم کار نباشد، اشتراک در منافع حاصل از تقسیم

کار و روابط متقابلی که بر مبنای نیاز به یکدیگر واقع شده، معنائی نخواهد داشت.



### به عقیده دورکیم

#### اثرات اخلاقی تقسیم

#### کار ایجاد تألیف یا

#### همبستگی است و بطور کلی

#### مشخصه تقسیم کار مبتنی بر تعاون

#### است و این تعاون نتیجه خود

#### به خودی این امر است که هرکس

#### منافع خاص خویش را تعقیب

#### می‌کند، یعنی کافی است که

#### هریک از افراد به وظیفه

#### خاصی بپردازد تا طبعاً

#### خود را همبسته با

#### دیگران بیابد

به قول دورکیم، تقسیم کار نتیجه مبارزه‌ای برای زندگی می‌شود. (۱۶) یعنی تقسیم کار در عین حال که افراد را در مقابل هم قرار می‌دهد و آنها را متحد می‌سازد سبب نزدیکی کسانی می‌شود که آنها را از هم جدا ساخته است. (۱۷)

جملات زیر مؤید مطالب مذکور است:

ثم مهمالجمع الناس فی المنازل و البلاد و تعاملو تولدت بینهم خصومات... و اما اهل البلد ایضافیتعاملون فی الحاجات و یتنازعون فیها، ولوترکوا کذلک لیقاتلوا و هلکوا، و کذلک الدعاه و ارباب الفلاحه یتواردون علی المراعی و الارضی و المیاه و هی لاتفی با غراضهم فیتنازعون لامحاله...» (۱۸)

همچنین غزالی در کتاب «نظریات اقتصادی» تصریح می‌کند که خداوند الفت را در دل کارگران قرار داد تا گرد هم جمع شوند هریک به گوشه‌ای نروند و با جمع شدن گرد هم شهر را به وجود آورند و در شهر دولت به وجود آمد تا عدل را مستقر سازد که قصاب بتواند از نانوا منفعت ببرد و نانوا از قصاب و خیاط از بنا و بنا از خیاط (تولیدکنندگان کالا و خدمات) و همه از یکدیگر استفاده ببرند و خداوند از طریق ارسال پیامبران راه استقرار عدل را به ما آموخت تا به تعبیر امروزی، تقسیم اجتماعی کار بتواند به خوبی سبب توسعه اقتصادی کشور شود. (۱۹)

بنابراین، پاسخ به دو پرسش ابتدای بحث را اینگونه می‌توان گرفت که غزالی

به جرأت می‌توان گفت، بیان غزالی از «تقسیم کار» یک بیان جامعه شناختی است زیرا به عقیده وی مردم وقتی در یک مکان (شهرها، روستاها، منازل) اسکان یافتند، خصومت و دشمنی بین آنها ایجاد می‌گردد و «معارضات بر سر تقسیم امکانات» سبب ایجاد تقسیم کار می‌گردد. مثلاً گروهی برای «رفع ضرورت»، «ایجاد عدالت» و «کاهش نزاع و خصومت» کوشش می‌کنند و در نتیجه مشاغل جدید در این امور به وجود می‌آید و حلقه تقسیم کار روز به روز بر اثر شدت روابط اجتماعی و گسترده‌گی نیازهای جامعه بزرگتر می‌شود و

ولاً، تعریف و تبیین از «تقسیم کار» در نه فردی و نه حتی اقتصادی بلکه پدیده شده است. اجتماع را ارائه می‌دهد و ثانیاً برای آن تقسیم کار از نظر او «اجتماعی» است و معیار و محکی اجتماعی قابل شده است براساس پدیدارهای اجتماعی دیگر بنا



پرنویس‌ها:

- ۱- توسلی، غلامعباس - «جامعه‌شناسی کار و شغل» - (انتشارات سمت)
- ۲- همان صفحه
- ۳- غزالی، امام محمد، «نظریات اقتصادی امام محمد غزالی» - ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسن توانایان فرد - انتشارات جمهوری، صفحه ۱۶۲.
- ۴- شدیار = شد کار = شیار: شخم زدن برای کاشت و تخم‌افشانی.
- ۵- همان - همان صفحه
- ۶- مساحان = افرادی بودند که با اندازه‌گیری مساحت زمین، زمین را به عدالت بین مردم تقسیم می‌کردند.
- ۷- همان - صفحه ۱۶۳ و ۱۶۵.
- ۸- غزالی، امام محمد - «احیاء علوم‌الدین» جلد ۲ - بیروت - چاپ دارالمعرفه - صفحه ۶۰ و ۶۱.
- ۹- همان: جلد ۳ - صفحه ۲۲۶ تا ۲۲۸.
- ۱۰- چیز برای انسان جز سعی و کوشش او وجود ندارد.
- ۱۱- «روانشناسی از دیدگاه غزالی و سایر دانشمندان» - صفحه ۳۴۰-۳۳۷.
- ۱۲- «نظریات اقتصادی از دیدگاه امام محمد غزالی» - صفحه ۲۲۱ و ترجمه احیاء علوم‌الدین - صفحه ۵۸ تا ۶۵ و غزالی در بغداد - جلد دوم - صفحه ۶۶۷.
- ۱۳- محسنی، منوچهر، «مقدمات جامعه‌شناسی» - صفحه ۲۳۶.
- ۱۴- شخصاً اسپنسر بر این پایه جوامع را به جوامع نظامی و صنعتی تقسیم می‌کند و تقسیمات دیگری هم براساس نوع زندگی مردم شده است مثل جامعه چادرنشین و کوچ‌کننده و جامعه روستائی و شهری که تمام این تقسیمات براساس مسائل اقتصادی و پیشرفت صنعت و کنولوژی است.
- ۱۵- به عقیده اگوست کنت علت گسترش تقسیم کار این است که تقسیم کار با به حداکثر رسانیدن بازدهی کار، جمع کل شادمانی آدمی را افزایش می‌دهد (رک به کتاب «دورکیم» نوشته آنتونی گیدنیز ترجمه بوسفا اباذری).
- ۱۶- آرون، ریمون - «مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی» جلد ۲ - صفحه ۲۵.
- ۱۷- دورکیم، امیل - «تقسیم کار اجتماعی» - ترجمه حسن حبیبی - صفحه ۲۹۹.
- ۱۸- همان: صفحه ۲۳۷.
- ۱۹- دورکیم، امیل «تقسیم کار اجتماعی» صفحه ۳۲.
- ۲۰- همان - صفحه ۳۱۷.
- ۲۱- غزالی، امام محمد - «احیاء علوم‌الدین» - المجلد الثالث - صفحه ۲۲۶، ترجمه فارسی: سپس مردمی که در این منازل و بلاد زندگی می‌کنند دشمنی و خصومت در بین آنها روی می‌دهد... و اما مردم بلاد در رفع نیازهای خود با هم معامله می‌کنند و جنگ و نزاع راه می‌اندازند و اگر آن را (این سیوه) ترک می‌کردند کشته و هلاک می‌شدند، همچنین رعایا و زمینداران در مورد چوپانان و زارعین و آنها (چگونگی شیوه آبیاری و تقسیم آن) اعمال نفوذ می‌کردند و این امر ممکن نمی‌شد مگر با نزاع (آنها را به اهدافشان نمی‌رساند مگر با نزاع).
- ۲۲- غزالی، امام محمد - «نظریات اقتصادی از دیدگاه امام محمد غزالی» - صفحه ۲۴.